

چگونگی آزادی زن در اجتماع از منظر اسلام

سمانه داوودی*

چکیده

آزادی زن در غرب به معنای اسارت فرهنگ مصرفی و مصرف فرهنگ منحط غرب است. این آزادی زن را به عنوان ابزاری برای لذت‌جویی مرد رار می دهد اما آزادی زن در اسلام به معنایی متفاوت مطرح می شود.

در مورد آزادی زن در اجتماع سه موضع مطرح است: ۱) تجمل‌گرایی که هدف آن ضد اخلاقی است و به نفع اقتصاد است، خانه نشینی و هدف آن خرد کردن شخصیت زن، دخالت در سرنوشت خود که هدفش تعادل اجتماعی است.

زن می‌تواند از دیدگاه اسلام در جامعه آزاد باشد و فعالیت‌هایی از جمله: علمی، اقتصادی، دینی و سیاسی- نظامی داشته باشد. اما این حضور در فعالیت‌ها با شرایطی است از جمله عدم اختلاط، حفظ عفت و حیا و عدم خودنمایی. آثار رعایت حجاب آن است مبارزه با نفس، استواری جامعه در کسب و کار، امنیت، رشد روانی- اجتماعی، آزادی.

کلیدواژگان: تبلیغ، آزادی اجتماعی، زن، حجاب.

*. کارشناسی‌ارشد تفسیر و علوم قرآنی جامعه‌المصطفی ﷺ العالمیه، Samanehd17@yahoo.com

مقدمه

موضوع این مقاله، زنان و تبلیغ آزادی اجتماعی می‌باشد. آزادی اجتماعی یعنی اینکه فرد در جامعه خود آزادی عمل در رفتار اجتماعی داشته باشد. حال زنان و تبلیغ آزادی اجتماعی آنان یعنی زنان که عضو مهمی از جامعه هستند به‌طور قطع آزادی اجتماعی دارند و این آزادی خود را اکنون چگونه می‌خواهند به جامعه خویش برسانند.

در عصر ما بیش از هر زمانی استعمارگران روی آزادی زن کار می‌کنند تا جایی که نظریه باطل آنان (فمینیسم) به کشورهای اسلامی نیز رسوخ کرده و دامنگیر زنان مسلمان (فمینیسم اسلامی) شده است. در حالی که دین مبین اسلام در مورد آزادی انسان از بند بندگی غیر خدا سخن می‌گوید نه تنها یک نوع بشر و هر نوع از بشر باید این آزادی خود را به نحوی که شایسته خلقت آن است به دیگران به نمایش گذارد. طوری که نه به خود و نه به جامعه خویش ضربه‌ای وارد سازد. به همین جهت برآن شدیم که زنان چگونه آزادی اجتماعی دارند و می‌توانند آن را به بهترین روشی که اسلام برایشان فراهم کرده یعنی حجاب آن را تبلیغ کنند. در رابطه با این موضوع برخی نویسندگان به‌طور حاشیه و برخی مفصل به آن پرداخته‌اند، مانند: مسأله حجاب شهید مطهری، حجاب = آزادی یا اسارت؟ یوسف علی‌پور باغبان‌نژاد، شخصیت زن مسلمان شهید بنت‌الهدی صدر و... .

این مقاله شامل مفاهیم: تبلیغ، آزادی، اجتماعی است؛ و مطالب آن نیز آزادی زن، اهمیت حضور اجتماعی زن، تفکرات و اهداف آن‌ها از حضور اجتماعی زن، فعالیت‌های اجتماعی زن، شرایط حضور زن در اجتماع، حکمت‌های حجاب و زنان پشوانه ولایت می‌باشد.

آزادی اجتماعی:

نگاه بر این نوع آزادی نگاهی ساختاری و نهادی است. و این امر بیانگر رابطه فرد با جامعه و ساختارهای آن است. ممکن است فرد به‌رغم وجود موانع و قیود در امور سیاسی- اجتماعی مشارکت کند و بتواند این حق خود را اعمال نماید، آزاد محسوب می‌شود. این برداشت نه تنها به آزادی فرد توجه نداشته بلکه آزادی افراد و گروه‌ها را نیز در جامعه در بردارد. (میراحمدی، ۱۳۸۱: ۳۴ و ۳۵).

اکنون می‌توانیم معنای آزادی اجتماعی را بهتر درک کنیم. یعنی زنان به چه وسایل و روش‌هایی می‌توانند به مردم جامعه خود تفهیم کنند و برسانند که آن‌ها آزادی اجتماعی دارند.

اهمیت حضور اجتماعی زنان

الف) زن نیمه پیکر اجتماع

«هو الذی خلقکم من نفس واحدة و جعل منها زوجها» (اعراف: ۱۸۹)

او خدایی است که همه شما را از یک فرد آفرید و همسرش نیز از جنس او قرار داد. براساس این آیه اصل آفرینش زن و مرد یکی است پس در اصول کلی جامعه نیز نباید بین آن‌ها تفاوتی باشد و همان‌طور که انسان به طور فطری اجتماعی آفریده شده است زن هم موجودی اجتماعی است و حضورش در اجتماع ضروری است.

ب) مضاعف شدن حضور مرد

در تمام وقایع تاریخ، زن با نقش فعال، پیشتاز و یا تحریک‌کننده مردم حضور داشته است. به عقیده امام خمینی^(ره) زنان در جنبش مشروطه و تنباکو نقش اساسی و بالاتر از مردان را داشته‌اند و در قرن معاصر، قیام و مبارزه زنان در زمان طاغوت و پیش‌قدمی آنان در پیروزی انقلاب و در مقایسه با مردان برکسی پوشیده نیست. (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۱۷۸).

پس حضور زن در اجتماع باعث پیشرفت خود او و جامعه به سوی تکامل می‌گردد. البته اگر در مسیر صحیح حرکت و فعالیت داشته باشد.

ج) حضور خانواده در اجتماع

حضور زن در فعالیتهای اجتماع یعنی حضور خانواده در تمام صحنه‌های اجتماع، و این خصوصیت حضور زن در میدان‌های مختلف است اما معنای حضور مرد چنین نیست. در هر میدانی که زن وارد بشود - زنی که کدبانوی یک خانه است - در حقیقت همه آن خانه را در

آن میدان وارد می‌کند. حضور زنان در بخش‌های مختلف بسیار مهم است. (بانکی‌پور فرد، ۱۳۸۱: ۱۸۸).

و این از اثرات آزادی اجتماعی زن در جامعه می‌باشد که تمام اعضای خانواده را به فعالیت وادار می‌کند.

آزادی زن

آزادی زن موضوعی است که بحث درباره آن بسیار شده و غالب نویسندگان اسلامی معمولاً حالت زن را قبل از اسلام و بعد از آن مورد مقاربه و بررسی قرار می‌دهند. اکنون می‌خواهیم بدانیم آیا آرامش فکری و بدنی، تندرستی، فرهنگ، شهرت، اشباع غرائز و بالاخره پاکیزگی جامعه‌ای که باید نصیب زنان بشود در پرتو اسلام است و یا در پرتو کفر و غرب است؟

زندگی زن در پرتو اسلام با حقوق و تکالیفی همانند مرد می‌باشد، زن در همه چیز شریک مرد است جز در موارد اندکی که استثناء شده است آن هم به جهت نبودن مقتضی یا وجود موانعی. زن، در نماز، روزه، خمس، زکات و حج همسان با مرد است لیکن چون تکالیف خانه-داری به عهده اوست اضافه بر خشونت جهاد که با ضعف بدنی و لطافت زن سازگار نیست، لذا اسلام جز در صورت ضرورت از زنان جهاد نمی‌خواهد. و اما در عبارت دیگر مانند امر به معروف و نهی از منکر، تولی اولیای خدا و تبری از دشمنان خدا زن شریک مرد می‌باشد. (شیرازی، ۱۳۶۱: ۳۷).

رویکردهای مختلف نسبت به آزادی زن:

تفکر تجمل‌گرایی (غربی)

در این تفکر، شخصیت زن را در پشت کردن به خانه و خانواده و کار در بیرون از خانه می‌دانند و آزادی زن بهانه‌ای برای بی‌حجابی اوست و حکومت‌های شیطانی غربی با این بهانه

زن را دامی برای فساد اجتماعی قرار داده‌اند و نتیجه آن از بین رفتن روابط خانوادگی بود. (بانکی‌پور فرد، ۱۳۸۱: ۱۷۸).

اهداف این تفکر عبارت است از امور اقتصادی و سوء استفاده از زن‌ها در کارها با حقوق کم در قرن ۱۹ و مبارزه با اسلام، زیرا ورود زن‌ها در جامعه با برهنگی همراه بود. (کیانی، ۱۳۷۹: ۲۲۶). در این تفکر تنها جنبه مادی حضور زن در نظر گرفته شده است که از آن سوء استفاده شود.

تفکر خانه‌نشینی (تفکر تحجری)

با این تفکر زن در خانه محصور می‌شود و نباید هیچ کاری به جامعه داشته باشد و سرنوشت خود را به دست مرد خانه بسپارد در این تفکر شخصیت مرد اصیل و زن شخصیت غیر اصیل دارد. (ناجی، ۱۳۷۹: ۱۷۸). هدف این رویکرد مرد سالاری و خرد کردن شخصیت زن است.

تفکر اسلامی

زن در این دیدگاه نباید تنها به خانه‌اش بنگرد بلکه باید به دنیا بیندیشد و سرنوشت انسان، جامعه، حکومت و نظام دغدغه‌های فکرش باشد. حضرت زهرا علیها السلام در این زمینه بهترین الگو می‌باشد. (ناجی، ۱۳۷۹: ۱۷۹).

اهداف این تفکر عبارت است از ظلم‌هایی که به زن می‌شود جلوگیری شود عدالت اجتماعی در جامعه برپا شود، زن از حقوق اجتماعی برخوردار شود و در برنامه‌های اجتماعی شرکت کند، زن مسلمان در دنیا و آخرت حیات طیب داشته باشد. (کیانی، ۱۳۷۹: ۲۲۶).

با توجه به تفکراتی که بیان شد زنان تنها در اسلام آزادی اجتماعی واقعی را می‌توانند تجربه کنند. و بر این اساس مسئولیت‌هایی نیز بر عهده دارند.

معنای آزادی زن در غرب

متأسفانه در دنیای غرب بیش‌تر مفاهیم از این آزادی، آزادی به معنای نادر است و مضر آن است. یعنی آزادی از قیدوبندهای خانوادگی، آزادی از نفوذ مطلق مرد، آزادی حتی از قید

ازدواج و تشکیل خانواده و پرورش فرزندان در آنجایی که هدف شهوانی زود گذری در مقابل قرار بگیرد نه آزادی به معنای صحیح آن، لذا شما می بینید جز حرف هایی که در دنیای غرب زده می شود مسئله آزادی سقط جنین است که این نکته بسیار مهمی است و با اینکه ظاهر ساده و کوچکی دارد اما باطن بسیار خطرناک دارد.

آنان که به نام ایجاد تحول اجتماعی و اقتصادی الگوهای فاسد و پلید خویش را با نقابی از پیشرفت و تمدن بر زنان جهان تحمیل می کنند و به انسانیت خیانت می کنند. آلودگانی که به دروغ شعار آزادی زن را دادند، می خواستند او را به اسارت فرهنگ مصرفی و مصرف فرهنگ منحط غرب بکشند، تا آسان تر بتوانند فرزندان و تربیت یافتگان سست عنصر چنین مادرانی را چون ابزاری بی اراده استعمار کنند.

بساط آن چیزی که امروز به عنوان آزادی زن در دنیا و از سوی فرهنگ منحط غربی پهن شده است بر این پایه است که زن را در معرض دید مرد قرار بدهند تا مردان از آن ها بهره های جنسی و لذت ببرند و زن ها وسیله التذاذ مردان بشوند، آن ها به این آزادی زن می گویند.

آیا این آزادی زن است؟ آن کسانی که در دنیای جاهل غافل و گمراه غرب ادعا می کنند طرفدار حقوق بشر و حقوق زن هستند در حقیقت ستمکار به زن هستند. در جهان امروز که زن تنها به عنوان یک وسیله و ابزار برای تأمین تمایلات شهوانی استفاده می شود لازم است دیدگاه های اسلام در مورد مسائل زن به ویژه در مورد مسئله حجاب و روابط این دو جنس تدوین شود و به دنیا فهمانده شود که اسلام چه می گوید.

بدون شک آنچه در دنیا و به ویژه غرب به عنوان آزادی زن مطرح می شود، چیزی جز سوق دادن این قشر به سمت بهره برداری های نفسانی نیست. در فرهنگ فاسد غرب به زن میدان نمی دهند که استعدادهایش شکوفا شود آن ها می خواهند از خصوصیات فیزیکی زن و جاذبه ای که این جنس از نظر فیزیکی دارد سوء استفاده کنند. اسلام آن روزها که حقوق مختلفه زن را مطرح کرد و تعالیم را ارائه داد، زن در ظلمت تاریخ فرو رفته بود اما اسلام نوری بود که در ظلمت تاریخ درخشید. (بانکی پور فرد، ۱۳۸۱: ۲۸۱).

حقوق اجتماعی زن در اسلام

زنان از دیدگاه اسلام از کلیه حقوق انسانی اعم از سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به اندازه مردان بهره‌مند می‌باشند. بانوان در زمان حضرت رسول ﷺ و نیز خلافت علی رضی الله عنه در جامعه حضوری فعال داشتند و با توجه به اینکه چند سالی از زمان زنده به گور کردن دختران نمی‌گذشت نقش تعالیم اسلام در این زمینه اعجاب‌انگیز است. قوانین و مقررات مربوط به پوشش زن و نحوه سلوک او در اجتماع و نیز به رسمیت شناختن مالکیت زن در طول زندگی حتی پس از ازدواج دائم و بسیاری حوادث تاریخی هستند از زمان پیامبر ﷺ و ائمه رضی الله عنهم خود حاکی از مجاز بودن ورود زنان به عرصه اجتماع و حضور در فعالیت‌های اجتماعی می‌باشد. (مکنون، ۱۳۷۴: ۱۶۴).

اسلام میان زن و مرد از جهت تدبیر امور اجتماعی با تصمیم‌گیری و کار تساوی برقراری کرده است. علتش این است که همان‌طور که مرد می‌خواهد زندگی کند زن نیز می‌خواهد زندگی کند. به دلیل اینکه زنی و مردی در آنچه بنیه انسان در خوردن و آشامیدن و جز این دو از لوازم بقا نیاز دارد برابرند.

«بعضکم من بعض» (آل عمران: ۱۹۳).

و مرد و زن در تمام تصمیم‌گیری مستقل و مالک مال خویش است. (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۴۶) «لها ما کسبت و علیها ما اکتسبت» (بقره: ۲۸۶). همان‌طور که اشاره شد در اسلام به زن و مرد آزادی مساوی داده است. آزادی که متناسب با آفرینش آن دو باشد و با آمدن اسلام زن به آزادی کامل خود رسید.

فعالیت‌های زن مسلمان در اجتماع

فعالیت علمی

در دین مبین اسلام در مورد علم‌آموزی در بین افراد جامعه هیچ تفاوتی قائل نشده است. چنان‌که پیامبر گرامی ﷺ فرمودند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» طلب علم بر هر

مسلمانی واجب است. و در این روایت نگفته که فقط بر مرد بلکه فرموده است که بر هر مسلمانی. پس زن می‌تواند علم‌آموزی داشته باشد. بر این اساس پس از ظهور اسلام و برداشتن موانع علم‌آموزی از سر راه همه به‌ویژه زنان، در میدان‌های علم و آموزش گام نهادند و چندی نگذشت که زنانی آگاه و دین‌شناس پدید آمدند و به مقامات بالایی در آگاهی و دانش رسیدند. (حکیمی، ۱۳۸۳: ۴۵).

فعالیت اقتصادی

در قرن ۱۹ میلادی با انقلاب صنعتی سرمایه‌داران به بهانه آزادی زن به زن اجازه فعالیت‌های اقتصادی دادند. اما قبل از آن در دین اسلام حقوق و فعالیت‌های اقتصادی کاملاً برای زن مشخص بود. این با اهداف انسانی نه اغراض سود جویانه سرمایه‌داری (حکیمی، ۱۳۸۳: ۴۷) چنان که در قرآن کریم فرموده است:

«لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُواْ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ» (نساء: ۳۲).

مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند، و زنان نیز نصیبی (و نباید حقوق هیچ یک پایمال گردد).

با توجه به این آیه زنان نیز می‌توانند به هر شغلی که توانایی آن را دارند دست زنند و منفعت کار خویش را بگیرند. و این نظر اسلام است که آزادی اجتماعی زن را به وضوح می‌رساند.

اما در هر صورت نفقه بر عهده مردان چنان که امام خمینی^(ع) فرمودند: «نفقه زن بر شوهر واجب است اگرچه زن درآمد کافی داشته باشد».

و همچنین فرمودند: کار در ادارات ممنوع نیست، اما باید زنان با حجاب اسلامی باشند. و حتی رانندگی با حفظ شئون و حجاب مانعی ندارد. (صدر، ۱۳۶۸: ۱۳۲).

فعالیت دینی

زن نمی‌تواند برای مرد امام جماعت شود. اما با شرایط عدالت، صحت نماز و دیگر شرایط واجب برای امام می‌تواند برای زنان امام جماعت باشد. چنان که سماعه بن مهران از امام

صادق علیه السلام سؤال کرد: آیا زن می‌تواند امام جماعت زنان شود؟ فرمود: مانعی ندارد. (صدر، ۱۳۶۸: ۱۳۵).

فعالیت سیاسی - نظامی

زنان از صدر اسلام تاکنون در پشت جبهه‌ها فعالیت‌های سیاسی - نظامی انجام داده‌اند حتی جایی که لازم بوده است که دفاع نظامی انجام دهند عملی کرده‌اند. در زمینه سیاسی نیز زنان فعالیت‌های بسیاری در مجالس و حتی در انتخابات انجام داده‌اند. اما باید در نظر داشت که تمام فعالیت‌های زن در اجتماع با حفظ حجاب کامل و حفظ شخصیت اصلی خود که مادری و همسری است این فعالیت‌ها را انجام دهد.

شرایط حضور زن در اجتماع

عدم اختلاط

پیامبرگرامی صلی الله علیه و آله در بیعت با زنان به عدم اختلاط آنان با مردان تأکید نموده و در ضمن بیعت با آنان می‌فرماید: «عَلَى النِّسَاءِ أَنْ لَا يَحْتَبِينَ وَلَا يَقْعُدْنَ مَعَ الرِّجَالِ فِي الْخَلَاءِ» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۱، ۱۹۲).

از زنان پیمان گرفت که دوست نداشته باشند در خلوت با مردان بنشینند. (فتاحی، ۱۳۷۶: ۱۵۲).

اسلام چنین نظریه‌ای در مورد روابط زن و مرد دارد زیرا باعث جلوگیری از فساد در جامعه می‌شود و همچنین نظام خانواده‌ها محکم می‌گردد.

«یکی از راه‌های صهیونیست جهانی برای به سلطه کشیدن ملت‌ها ایجاد فساد به وسیله مخلوط کردن دخترها و پسرهاست. آزاد کردن روابط جنسی و این یک ابزار سیاسی برای از بین بردن جوامع است.» (بانکی‌پور فرد، ۱۳۸۱: ۲۴۰).

حفظ عفت و حیا

برای اینکه زن راحت بتواند در جامعه حضور یابد و تبلیغ آزادی اجتماعی خود کند، خود باید زمینه این تبلیغ را فراهم آورد از خصوصیت خوب زنانگی خود یعنی عفت و حیا به خوبی حفظ و استفاده کند. از جمله:

الف) حیا در رفت و آمد: قرآن کریم در مورد دختران شعیب علیها السلام چنین فرموده است: «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ» (قصص: ۲۵).

ناگهان یکی از آن دو (زن) به سراغ او آمد درحالی که با نهایت حیا گام برمی داشت. علامه طباطبایی می گوید: نکره بودن «استحیاء» یعنی بزرگداشت مسئله و مقصود با حالت شرم راه رفتن است. (فتاحی، ۱۳۷۶: ۱۵۶).

ب) حیا در راه رفتن: «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» (نور: ۳۱).
و به هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی شان دانسته شود (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش برسد).

یعنی زنان حتی از طریق های مختلف موجب تحریک مردان و در نتیجه موجب فساد و فتنه نباشند.

ج) حیا در سخن گفتن: قرآن کریم در این باره به خوبی سخن فرموده است. «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲).

پس به گونه ای هوس انگیز سخن نگویید که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند.

خضوع در کلام زن یعنی آهنگ سخن در برابر مرد را نازک و لطیف کند تا دل او را دچار خیال های شیطانی کرده و شهوت و طمع مرد بیمار دل را برانگیزد. «قول معروف» یعنی سخن معمول و مستقیم. (کیانی، ۱۳۷۹: ۲۲۳).

زن باید در حدّ امکان کمترین سخن و با جدیت و قاطع با مرد سخن گوید. در این حالت است که اسلام به او آزادی را هدیه می دهد.

د) حیا در نگاه کردن: قرآن کریم حیا در تمام زمینه‌ها را مدّ نظر دارد و حیا در نگرستن را چنین بین فرموده است:

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» (نور: ۳۱).

و به زنان با ایمان بگو چشمان خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند.

زنان چون موجودات عاطفی تری هستند و با نگاه به طرف مقابل احساسات آن‌ها برانگیخته می‌شود و ابتدا برای خودشان زمینه گناه فراهم می‌شود و بعد موجب فساد در جامعه می‌شوند. به همین دلیل قرآن علاوه بر مردان به زنان نیز دستور نگاه خیره نکردن می‌دهد.

ز دست و دیده و دل هر دو فریاد که هرچه دیده بیند دل کند یاد
بسازم خنجری نیش ز فولاد زخم بر دیده تا دل گردد آزاد

همچنین امام علی علیه السلام نگاه به نامحرم را تیری از تیرهای مسموم شیطان می‌داند. اما با تقوا در نگاه و محدودیت در نگرستن، مانع از خواهش‌های انسانی و بروز شهوات جنسی در دل‌ها می‌شود. (کیانی، ۱۳۷۹: ۲۲۲).

عدم خودنمایی

یکی دیگر از شرایط حضور زن در اجتماع پوشش و حجاب او می‌باشد که علاوه بر پوشش مناسب خود باید به چند نکته دیگر نیز توجه کند: الف) عدم آراستگی؛ ب) عدم تعطر.

عدم آرایش کردن: آرایش زن موجب انحراف افراد زیادی از جامعه اعم از مرد و زن می‌شود. قرآن کریم چنین می‌فرماید: «وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرَجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب: ۳۳).

و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید.

منظور آیه محصور کردن زن نیست بلکه در آن زمان زنان پیامبر گرامی همراه ایشان حتی به مسافرت می‌رفتند.

عدم تعطر: اسلام با آزادی اجتماعی زن به هیچ‌وجه مخالف نیست بلکه حتی برای راحتی او و جامعه شرایطی را وضع کرده است. تا جایی که پیامبر گرامی که می‌فرماید:

اگر زن خود را معطر کند و بر مردی بگذرد که بوی او را دریابد زناکار است. از این سخن برمی‌آید زن می‌تواند در اجتماع با رعایت اصول اسلامی حضور داشته باشد و تبلیغ آزادی اجتماعی خود را بکند.

اگر بانوان می‌خواهند که خوشبو و معطر باشند بهتر است در مکانی که بانوان هستند خود را معطر سازند تا مورد لعن قرار نگیرند و موجب فساد و گناه در جامعه نشوند. (فتاحی، ۱۳۷۶: ۱۷۰ و ۱۷۳).

مهم‌ترین اصلی که زن باید برای تبلیغ آزادی خود در حضور اجتماعی رعایت کند، حجاب است در حجاب نکاتی نهفته است که هرکس بداند خود را از آن جدا نخواهد کرد. زیرا اول برای خودش و بعد هم برایش سود دارد. بعد برای خودش یعنی در اجتماعی که زندگی می‌کند اجتماع سالم که خودش می‌سازد و به همین دلیل برای خودش راحتی هست که در آن زندگی کند.

«اگر کسی بگوید زن را باید در خانه حبس کرد و به هیچ‌وجه اجازه بیرون رفتن به او نداد این با آزادی طبیعی و حیثیت انسانی و حقوق خدادادی زن منافات دارد. چنین چیزی در حجاب‌های غیراسلامی بوده است ولی در اسلام نبوده و نیست.» (مطهری، ۱۳۵۳: ۸۷).

رعایت حجاب حق الهی

حجاب زن مربوط به خود او نیست تا بگوید از حق خودم صرف‌نظر کردم، حجاب زن مربوط به مرد نیست تا مرد بگوید من راضیم، حجاب زن مال خانواده نیست تا اعضای خانواده رضایت بدهند. حجاب زن حقی الهی است چون حرمت زن و حیثیت زن به عنوان حق الله مطرح است و خدای سبحان زن را با سرمایه عاطفه آفرید تا پیام عاطفه بیاورد. اگر جامعه‌ای این درس رقت و عاطفه را ترک نمودند و به دنبال غریزه و شهوت رفتند به همان فساد مبتلا می‌شوند که در غرب ظهور کرد. لذا کسی حق ندارد بگوید من به نداشتن حجاب رضایت دارم. عصمت زن حق الله است زن به عنوان امین حق الله از نظر قرآن مطرح است. یعنی این مقام را و این حرمت و حیثیت را خدای سبحان که حق خود اوست به زن داد. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۴۳۷).

فلسفه حجاب در قرآن

عَلَّتْ و ضرورت حجاب در قرآن چنین بازگو شده است:

«ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفَ فَلَا يُؤْذِنُ» (احزاب: ۵۹).

«این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند بهتر است» «چراکه آن‌ها تجسم حرمت و عفاف جامعه هستند و حرمت دارند.» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۴۳۹).

از این جمله قرآنی برمی‌آید که زنان در جامعه با حفظ حجاب خود می‌توانند حضور آزادانه‌ای داشته باشند چون حجاب موجب مصونیت آن‌ها می‌شود تا به راحتی بتوانند تبلیغ آزادی اجتماعی خود را داشته باشند.

حجاب حفظ تکریم گوهر وجود زن

در قرآن کریم آیاتی آمده است که کلمه حجاب دیده می‌شود. مانند:

«وَ إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُورًا» (اسراء: ۴۵).

و هنگامی که قرآن می‌خوانی میان تو و آن‌ها که به آخرت ایمان نمی‌آورند ناپیدایی قرار می‌دهیم.

در قرآن هرگاه سخن از حقیقتی متعال و شأن والایی مطرح است، موضوع حجاب به میان می‌آید. حجاب برای زن بزرگداشت مقام و شأن اوست و حجاب مرز بین محرم و نامحرم را معلوم می‌کند. (موسوی مدنی، ۱۳۸۵: ۱۰۹-۱۰۷).

زن مانند دیگر جمالات الهی گرانبها و پر ارزش است که خداوند دوست ندارد که چشم‌های آلوده به او بیفتد و از او لذت مجانی و شیطانی ببرد، بلکه ارزش زن از همه چیز بالاتر است زیرا اشیاء گران‌بها را از دید دوستان شیطان پنهان می‌کنند تا آسیب به آن‌ها نرسد.

پس زن اگر بخواهد آزادی خود را در جامعه ابلاغ کند و ارزش خود را نگه دارد با حجاب خود وارد جامعه شود که هیچ آسیبی او را تهدید نکنند.

مبارزه با نفس

خداوند امیال زیادی در درون انسان نهاده است. که اگر انسان آن‌ها را تعدیل کند به کمال می‌رسد. میل به خودنمایی به مصالحتی در زن قرار داده است. حال اگر این میل مرزی نداشته باشد و در همه جا نمود داشته باشد قطعاً فساد آفرین می‌شود. و حجاب مهم‌ترین عامل تعدیل این میل است چنان‌که در کلام مولی علی علیه السلام است «زَكَاةُ الْجَمَالِ الْعَفَافِ»

زیبایی برای زن سرمایه است که باید به جا مصرف شود. یعنی از یک سو سودمند و از سوی دیگر قابل کنترل است و گرنه فتنه‌انگیزی می‌کند و حجاب وسیله کنترل گزینه خودنمایی است که تعدیل این گزینه باعث تعدیل دیگر غرایز نیز می‌شود و در نتیجه زن به کمال می‌رسد. (فتاحی، ۱۳۷۶: ۸۱ و ۸۰).

یعنی زن با حجاب خود می‌تواند تزکیه نفس داشته باشد تا بتواند در جامعه خود به خوبی زندگی کند و با این هدف وارد جامعه شود که جامعه خود را به تعالی برساند. و با حجاب خود تبلیغ آزادی اجتماعی خود کند و به زنان دیگر نیز آن را بیاموزد و به مردان جامعه آن را تفهیم کند.

مبارزه با اسلام ستیزان

غربی‌ها مایلند که جاهلیت خودشان را بر معرفت عالم غلبه بدهند آن‌ها می‌خواهند سبک مد و مصرف و آرایش در انظار عموم و ملعبه قرار دادن مسائل جنسی بین دو جنس را به وسیله بی‌حجابی زنان رواج دهند. آن‌ها توانستند در کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین و شرق آسیا به این هدف خود برسند. یعنی آن کشور سبک‌شان را قبول کردند. تنها کشورهای اسلامی به شدت با این هدف مبارزه می‌کنند. (مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۳: ۲۳۰ و ۲۲۹). پس زنان محجبه علاوه بر تبلیغ آزادی اجتماعی خود در راه مبارزه با دشمنان اسلام هستند که تهمت‌های فراوانی در مورد اسلام که زن را اسیر کرده است زده‌اند و خود را متمدن دانسته و با برهنگی زن به او عنوان آزادی دادند

استواری جامعه در کسب و کار

کشانیدن تمتعات جنسی از محیط خانه به اجتماع نیروی کار و فعالیت را ضعیف می‌کند، بی‌حجابی و ترویج روابط آزاد جنسی موجب فلج کردن نیروی اجتماع است. آنچه موجب فلج کردن نیروی زن و حیس استعدادهای اوست حجاب به صورت زندانی کردن زن و محروم ساختن او از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی است و در اسلام چنین چیزی وجود ندارد. اسلام هرگز نمی‌خواهد زن بیکار بنشیند. آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع است آلوده کردن محیط کار به لذت‌جویی‌های شهوانی است. (مطهری، ۱۳۵۳: ۷۷ و ۷۸).

به بهانهٔ اینکه حجاب نیمی از افراد جامعه را فلج کرده است با بی‌حجابی و بی‌بندوباری نیروی تمام افراد زن و مرد را فلج کرده‌اند، کار زن پرداختن به خودآرایی و کار مرد چشم‌چرانی و شکارچی‌گری شده است.

آنکه اسلام نمی‌خواهد این است که زن به صورت چنین موجود مهملی در آید که کارش فقط استهلاک ثروت و فاسد کردن اخلاق اجتماع و خراب کردن بنیان خانواده باشد. (علی‌پور باغبان‌نژاد، ۱۳۸۳: ۱۸۶).

سرمایه‌داران برای رسیدن به اهداف شوم خود با رشد و تشویق زن و مرد به این ابعاد که خداوند آن‌ها را برای تکامل انسان قرار داده اما آن‌ها آنقدر آن را بزرگ جلوه می‌دهند که زن و مرد از آن استعدادها و امیال خود به خوبی استفاده نمی‌کنند تا حدی که به بعد حیوانی نزدیک می‌شوند و شاید از آن هم فرا روند و شوند «بل هم اضل»

که این است فلج کردن اقتصاد جامعه و انسان سالم نه حجاب اسلامی که باعث رشد و تعالی تمام افراد جامعه می‌شود.

امنیت

زنان به دلیل ویژگی‌های شخصیتی و موقعیت اجتماعی، آسیب‌پذیری بیشتری دارند و طبعاً نیاز به امنیت بیشتری دارند. اما زنانی که در انظار عمومی بدن خود را به نمایش می‌گذارند و باعث تحریک مردان می‌شوند ناگزیر باید منتظر آزار و اذیت افراد لابلالی باشند که این آزارها

گاهی به آدم‌ربایی و قتل می‌انجامد و به شدت زندگی زنان بدحجاب و نیز آرامش و سلامت روانی و امنیتی آن‌ها را به خطر می‌اندازد. (رجبی، ۱۳۸۷: ۱۰۵).

در این هنگام اگر زن بدون حجاب در جامعه ظاهر شود و جان او در خطر باشد چگونه می‌تواند آزادی داشته باشد. پس اگر حجاب را سپری برای دفع بلا برای خود کند می‌تواند آزادی اجتماعی خود را بدست آورد. حجاب وسیله تبلیغ آزادی اجتماعی اوست.

رشد روانی - اجتماعی

در اثر امنیتی که از آثار حجاب بود زن می‌تواند به مرحله تکامل و بلوغ روانی برسد و در این مسیر می‌تواند از وسایل علم و هنر و... استفاده کند. (رجبی، ۱۳۸۷: ۱۰۹-۱۱۲) و نشان دهد که آزادی اجتماعی یعنی حضور اجتماعی سالم یک زن که به بلوغ روانی - اجتماعی رسیده است.

اصل آزادی در حجاب

در اسلام محبوس ساختن و اسیر کردن زن وجود ندارد، حجاب در اسلام یک وظیفه‌ای است بر عهده زن نهاده شده که در معاشرت و برخورد با مرد باید کیفیت خاصی را در لباس مراعات کند و این نه چیزی است که با حیثیت و کرامت او منافات داشته باشد و یا تجاوز به حقوق طبیعی او که خداوند برایش خلق کرده است محسوب شود.

اگر رعایت پاره‌ای از مصالح اجتماعی زن یا مرد را مقید سازد که در معاشرت روش خاصی را اتخاذ کنند و طوری راه برونند که آرامش دیگران را برهم نزنند و تعادل اخلاقی را از بین نبرند چنین مطلبی را «زندانی کردن» یا «بردگی» نمی‌توان نامید و آن را منافی حیثیت انسانی و اصل «آزادی» فرد نمی‌توان دانست.

پوشیده بودن زن، در همان حدودی که اسلام تعیین کرده است، موجب کرامت و احترام بیشتر اوست زیرا او را از تعرض افراد فاقد اخلاق مصون می‌دارد. (مطهری، ۱۳۵۳: ۸۶ و ۸۵).

یعنی اگر زن به وسیله حجاب مصون از آفات و بلاها باشد به راحتی می‌تواند در جامعه آزادانه راه برود و فعالیت کند و هیچ مزاحمتی را برای خود ایجاد نکند که موجب اجتماع

زدگی‌اش و در نتیجه سلب آزادی او شود. و این حجاب است که آزادی را به زن نوید می‌دهد نه برهنگی.

عدم حبس و عدم اختلاط

«اسلام با اختلاط مخالف است نه با شرکت زن در مجامع ولو با حفظ حریم. اسلام می‌گوید: نه حبس و نه اختلاط و بلکه حریم. سنت جاری مسلمین از زمان رسول خدا ﷺ همین بوده است که زنان از شرکت در مجالس و مجامع منع نمی‌شده‌اند ولی همواره اصل «حریم» رعایت شده است در مساجد و مجامع حتی در کوچه و معبر، زن با مرد مختلط نبوده است» (مطهری، ۱۳۵۳: ۲۲۵).

همانطور که حجاب زن را از حبس بیرون می‌کند از اختلاط هم جدا می‌کند یعنی زن که با حجاب وارد جامعه می‌شود شأن و مقام خود را می‌داند که ارزش حجاب خود را حفظ کند و مانند زنان هرزه با مردان مختلط نشود و مرض دل آن‌ها را بیشتر نکنند و به آن‌ها بفهماند که موجودی با شخصیت است نه ملعبه دست هر بی‌اخلاقی که بخواهد در جامعه اختلاط ایجاد کند.

نمونه‌هایی از آزادی زنان مسلمان

دیدیم که اگر زن حجاب خود را حفظ کند راحت‌تر می‌تواند در جامعه رفت‌وآمد کند و عملی نشان دهد که آزادی اجتماعی دارد. اکنون می‌خواهیم بگوییم زنی که حجاب دارد باید چگونه این عمل را نشان دهد. او می‌تواند چنان رفتار کند و برخورد اجتماعی داشته باشد تا به این هدف خود برسد.

یا اینکه او می‌تواند با فعالیت‌های خود در هر زمینه‌ای از جمله: فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... که باعث رشد جامعه می‌باشد هدف خود را عملی سازد که در این جا به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم.

زنان پشتوانه ولایت

خدیجه یگانه مدافع نبوت و ولایت

هنگام اسلام آوردن حضرت خدیجه علیها السلام، حضرت رسول صلی الله علیه و آله به ایشان چنین فرمودند: در حال حیات و هنگام مرگ پس از رحلت من جانشین من و ولی امر مرا شناخته و یکایک ائمه معصومین علیهم السلام را باید بشناسی و از ایشان اطاعت کنی و دوستانشان را دوست و دشمنانشان را دشمن بداری و از شیطان و انصار او و از قبیله تمیم و عدی (ابوبکر و عمر) و بنی امیه و تابعین آنان بیزاری جویی.

و نیز فرمود: ای خدیجه این علی علیه السلام مولای تو و مولای همه مؤمنان و پیشوای آنان پس از من می باشد، خدیجه عرض کرد: یا رسول الله صلی الله علیه و آله نیک فرمودید، البته بر آن چه گفتید خدا و شما را گواهی می دهم و پروردگار بر این گواهی بس است. (احمدی، ۱۳۸۱: ۱۲۳).

همچنان که می دانید حضرت خدیجه علیها السلام با تمام وجود خود و با تمام علاقه همه اموال خود را در دفاع از اسلام و پیامبر خویش در راه خدا صرف کرد و این نشانه آزادی ایشان در اجتماع بود.

حضرت زهرا علیها السلام تنها حامی ولایت علی علیه السلام

حضرت زهرا علیها السلام در راه احقاق حق حتی از جان خویش مایه می گذارد. تا حق را به صاحبش برساند اما غاصبان حق این اجازه را نمی دهند و باعث شهادت این بانوی بزرگوار می شوند و خود را از شقی ترین افراد قرار می دهند.

حضرت در بیانی چنین فرمودند: آیا فراموش کردید فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله را در روز غدیر که به شما می فرمود: هرکس من مولا و پیشوای او هستم، پس علی علیه السلام پس از من مولای اوست و آیا فراموش نمودید فرمایش آن حضرت را که فرمود: یا علی! نسبت تو به من همانند نسبت هارون به موسی علیه السلام است. یعنی جانشین و وصی من تو هستی. (احمدی، ۱۳۸۱: ۱۰۳)

فعالیت‌های حضرت زینب علیها السلام

حضرت زینب علیها السلام در بسیاری از زمینه‌ها فعالیت می‌کردند فعالیت سیاسی ایشان که معروف است به خطبه‌خوانی ایشان در کوفه و شام که بیانگر حقانیت قیام عاشورا است. علاوه بر این ایشان دیگر فعالیت‌هایی نیز داشتند. «فعالیت اجتماعی مذهبی حضرت زینب علیها السلام به مقتضای زمان در شهر کوفه بیانگر مسئولیت سنگین زنان مسلمان در جامعه اسلامی است. اصولاً محتوای زندگی زینب علیها السلام ناقض روش خانه‌نشینی و بی‌تفاوتی زن در قبال تحولات گوناگون جامعه است.» (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۷: ۴۶).

نتیجه

در مقابل آزادی که غرب به زنان تحمیل کرد و در اصل آن‌ها را در بند لذات شهوانی کرد زنان مسلمان می‌توانند از راه‌های مختلف که بهترین آن‌ها حجاب اسلامی است هم شخصیت خود را حفظ کنند و هم امنیت اجتماعی را تضمین کنند و دست به فعالیت‌های کلان بزنند که نشان دهنده آزادی اجتماعی آنان باشد.

اما حجاب آن‌ها واقعاً اسلامی باشد نه غربی و یا آمیخته با فرهنگ‌های دیگر، چون اگر به موفقیت نسبی و ظاهری در فعالیت خود برسد به سود فرهنگ‌های غیراسلامی تمام خواهد شد و از آن برای تبلیغ فرهنگ خود استفاده خواهند کرد. و ما باید جلو چنین حرکتی را از ابتدای کار بگیریم وگرنه راه علاج آن بسیار دشوار خواهد بود.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- احمدی، حسن؛ زن در پیشگاه ولایت؛ چاپ اول، قم: طوبای محبت، ۱۳۸۴.
- بانکی پور فرد، امیرحسین؛ آیین زن، مجموعه موضوعی سخنان مقام رهبری؛ چاپ اول، قم: کتاب طه، پاییز ۱۳۸۱.
- جوادی آملی عبدالله؛ زن در آئینه جلال و جمال؛ چاپ چهارم، قم: نشر اسراء، زمستان ۱۳۷۸.
- حکیمی، محمد؛ دفاع از حقوق زن؛ چاپ چهارم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳.
- دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا؛ ج ۱۴، تهران: چاپ سیروس، آذر ۱۳۳۵.
- _____، _____، ۱۸، _____، ۱۳۳۰.
- رجبی، عباس؛ حجاب و نقش آن در سلامت روان؛ چاپ چهارم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، تابستان ۱۳۸۷.
- شیرازی، محمد؛ نکاتی از شخصیت اسلامی زن؛ ترجمه محمدباقر خالی؛ چاپ اول، قم: مؤسسه مطبوعاتی تشیع، شهریور ۱۳۶۱.
- صدر، بنت الهدی؛ شخصیت زن مسلمان؛ صادقی اردستانی؛ چاپ دوم، تهران: حافظ، ۱۳۶۸.
- طباطبایی، محمدحسین؛ زن در اسلام؛ چاپ اول، قم: دفتر نشر آثار علامه طباطبایی، ۱۳۸۴.
- علی پور باغبان نژاد، یوسف؛ حجاب=آزادی یا اسارت؟؛ چاپ اول، تبریز، احرار، بهار ۱۳۸۳.
- علی کرمی، رضا؛ روش تبلیغ، اصول و مبانی و قالبها؛ قم: دارالثقلین، تابستان ۱۳۷۸.
- فتاحی، فتحیه؛ حجاب از دیدگاه قرآن و سنت؛ چاپ دوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، زمستان ۱۳۷۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ ج ۱۱، چاپ اول، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹.
- کیانی، مرضیه؛ زن و فعالیت های سیاسی- اجتماعی، زن از دیدگاه ادیان و مکاتب؛ جمعی از خواهران طلبه، چاپ اول، قم: نصایح، ۱۳۷۹.
- مطهری، مرتضی؛ مسئله حجاب؛ تهران: انجمن اسلامی پزشکان، خرداد ۱۳۵۳.

- مکنون، ثریا؛ بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام؛ بی‌جا: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.
- منصوری لاریجانی، اسماعیل؛ زینب کبری علیها السلام فریادی بر اعصار؛ چاپ اول، تهران: نشر فرهنگی آیه، ۱۳۸۷.
- مؤسسه فرهنگی قدر ولایت؛ شخصیت و حقوق زنان در آینه نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی؛ چاپ دوم، تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۳.
- موسوی مدنی، علیرضا؛ سیمای زن در قرآن؛ ناهید اعظم رام‌پناهی؛ چاپ چهارم، تهران: روابط شورای فرهنگی اجتماعی زنان، بهار ۱۳۸۵.
- میراحمدی، منصور؛ آزادی در فلسفه سیاسی اسلام؛ چاپ اول، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
- تاجی، کک؛ تاریخچه فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی زنان از صدر اسلام تا کنون؛ زن از دیدگاه ادیان و مکاتب جمعی از خواهران طلبه، چاپ اول، قم: نصاب، ۱۳۷۹.